

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعد از اینکه معلوم شد چهارمین از مفطرات صوم استمناء می باشد حالا نوبت به ذکر فروعاتی درباره آن می باشد ، (مسئله ۱۴) : إذا علم من نفسه أنه لو نام في نهار رمضان يحتلم فلا حوط تركه ، و إن كان الظاهر جوازہ خصوصاً إذا كان الترك موجبا للخرج .

اگر شخصی از حال خودش آگاه است و می داند اگر در روز ماه رمضان بخوابد محتلم خواهد شد بنا بر احتیاط مستحب نباید بخوابد اگر چه ظاهراً جایز است که بخوابد مخصوصاً زمانی که اگر بخوابد دچار عسر و حرج می شود . در این جا دو مطلب وجود دارد ؛ اول اینکه طبق روایات ما جنابت عمدی موجب بطلان صوم می شود حالا باید ببینیم در اینجا که شخص می داند اگر بخوابد محتلم می شود آیا جنابت عمدی محسوب می شود یا نه؟ اختیار در فعل گاهی به این است که خود فعل بلاواسطه اختیاری باشد مثل اکل و شرب که یصدر عن المكلف اختیاراً و گاهی آن چیزی که از مکلف صادر می شود مقدمه یک امر اختیاری می باشد مثل ذبح شرعی که در آن مکلف کارش فری اوداج اربعة می باشد که بعد بترتب علی فری اوداج اربعة الذبح که این هم یک امر اختیاری می باشد زیرا آنچه که مکلف انجام داده یک مقدمه است و تقریباً علت تامه برای تحقق آن معلول می باشد ، اما در ما نحن فیه آنچه که تحت اختیار مکلف است خوابیدن می باشد ، خوب حالا خوابیدن این شخص با توجه به اینکه عادت بر محتلم شدن در خواب دارد آیا مثل همان فری اوداج اربعة برای ذبح حساب می شود یا اینکه اینطور نیست زیرا ممکن است بخوابد ولی محتلم نشود مثل اینکه خوابش بهم بخورد و محتلم نشود و از طرفی هم هر احتلامی پشت سر خود جنابت را در پیش ندارد ، از این جهت می توانیم بگوئیم که خوابیدن این شخص تعمد برای جنابت محسوب نمی شود هر چند که لازم نیست در فعل اختیاری تمام مقدماتش اختیاری باشد بلکه اگر بعضی از مقدماتش هم اختیار ی باشد یکفیی در اینکه فعلش اختیاری باشد اما در اینجا یک ترتبی وجود دارد که اقتضاء می کند که نگویند این شخص عمدا جنب شد زیرا آنچه که در اختیار این شخص می باشد خوابیدن و خواب رفتن است در حالی که ترتب احتلام بر به خواب رفتن همیشه وجود ندارد و در هر احتلامی هم خروج منی وجود ندارد

از این جهت نمی توان گفت که این شخص عمدا خودش را جنب کرده است ، بعلاوه در روایات ما تعبیراتی مثل اخرج المنی و لصق باهله فخرج منه المنی و امثال این تعبیر وجود دارد که با توجه به آن تعبیرات گفته شده بود روزه آن شخص باطل است اما در اینجا فرض این است که این شخص خوابیده یعنی آن چیزی که از این شخص صادر شده نوم می باشد و ترتب احتلام بر نوم همیشگی نیست و همیشه نوم علت احتلام و احتلام معلول نوم نیست و همچنین همیشه احتلام علت خروج منی نیست زیرا گاهی انسان محتلم می شود ولی منی از او خارج نمی شود ، خلاصه در اینجا نمی توان گفت که این شخص با خوابیدنش عمدا خودش را جنب کرده بنابراین در اینجاها باید ببینیم که آیا عرفاً اینطور افعال را مقدمه و علت آن ذی مقدمه و مسبب حساب می کنند یا نه .

خوب عرض کردیم روایاتی در این زمینه داریم که روایت ۱ از باب ۳۵ از ابواب مایمسک عنه الصائم که در ص ۷۲ از جلد ۷ و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است بر این مطلب دلالت دارد ، خبر این است : « محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد ، عن حماد بن عیسی ، عن عبدالله بن میمون ، عن ابی عبدالله (ع) قال : ثلاثة لا یفطرن الصائم : القيء ، و الاحتلام ، و الحجامة الحدیث . »

خبر بعدی خبر ۴ از همین باب می باشد : « و فی العلل عن علی بن حاتم ، عن القاسم بن محمد ، عن حمدان بن الحسین ، عن الحسین بن الولید ، عن عمر بن یزید قال : قلت لابی عبدالله (ع) : لای علة لا یفطر الاحتلام الصائم و النكاح یفطر الصائم ؟ لان النكاح فعله ، و الاحتلام مفعول به . » با توجه به این روایات و روایات قبلی که خواندیم و در آنها آمده بود جنابت عمدی موجب بطلان صوم می شود معلوم می شود که احتلام فعل اختیاری خود شخص نیست بلکه مفعول به و عمل شیطان است فلذا موجب بطلان صوم نمی شود ، و فقط در اینجا آیت الله سید احمد خوانساری حاشیه دارند و فرموده اند : لایترک ؛ یعنی این احتیاط اگر چه استحبابی می باشد ولی نباید ترک شود . (اشکال و پاسخ استاد) : در مسئله تحلیل می داند که اگر خلال نکند اکل صورت خواهد گرفت اما اکلی که من فعله ولی در اینجا احتلام مفعول به می باشد .

(مسئله ۱۵) : یجوز للمحتلم فی النهار الاستبراء بالبول أو الخرطات ، و إن علم بخروج بقایا المنی فی المجری و لا یجب

عليه التحفظ بعد الانزال من خروج المنى إن استيقظ قبله خصوصاً مع الاضرار أو الحرج .

استبراء دو صورت دارد ؛ یکی استبراء از جنابت است که به بول کردن می باشد و دیگری استبراء به خمرط است یعنی استبراء بالاجتهاد که بعد از بول انسان ۹ دفعه با کیفیتی خاص دستش را بر آتش می کشد ، صاحب عروءه می فرمایند که کسی که در روز ماه رمضان خوابید و محتلم شد و منی هم از او بیرون آمد ، جایز است که استبراء کند هر چند که در بولش قطراتی از منی باقی باشد و همچنین جایز است که استبراء بالخرط است هم کند هر چند بعد از اینکه دستش را کشید قطراتی از منی که باقی مانده بود بیرون بیاید ، دلیل این حکم این است که اینها از توابع و عوارض و بقایای همان احتلام می باشند و وقتی شارع مقدس فرموده احتلام اشکالی ندارد خوب این چیزها هم که از توابع احتلام می باشند و معمولاً از احتلام جدا نمی باشند اشکالی ندارند . خوب صاحب عروءه در ادامه مسئله می فرمایند که اگر شخصی محتلم شد ولی فوراً از خواب بیدار شد در حالی که منی از جای خودش حرکت کرده بود ولی هنوز از مجری خارج نشده بود در اینصورت واجب نیست که آن شخص تحفظ کند و جلوی خروج منی را بگیرد خصوصاً اگر جلوگیری از خروج منی برایش ضرر داشته باشد چراکه منی از جای خودش حرکت کرده و محل دوم جای او نیست و ممکن است اگر در آنجا بماند و خارج نشود مثلاً شخص دچار عفونت شود . در اینجا فقط حضرت امام رضوان الله علیه حاشیه دارند که تفصیل می دهند بین اینکه اگر می خواهد جنابت جدید بوجود بیاید باید جلوی خروج منی را بگیرد ولی اگر همان جنابت قبلی که بعد از محتلم شدن حاصل شده بود و منی از او بیرون آمده بود باقی بود دیگر در اینجا لازم نیست جلوی خروج منی را بگیرد ، جنابت جدید هم وقتی بوجود می آید که انسان غسل کند و بعد از غسل دوباره منی از او خارج شود چون هر وقت که از آن مجری منی خارج شود جنابت حاصل می شود فلذا ایشان در حاشیه عروءه می فرمایند : « لا یجب علیه التحفظ بعد الانزال من خروج المنى قبل الغسل و اما بعده فمع العلم بخروج المنى فالأحوط لو لم یکن الأفتوی ترکة » ، این قول حضرت امام رضوان الله علیه بود ولی ما گفتیم که چون اینها از عوارض و توابع احتلام می باشد دیگر فرقی نمی کند که قبل از غسل باشد یا بعد از غسل بله اگر در صورتی که بعد از غسل بیرون بیاید دوباره غسل کند اما صحبت ما در وجوب تحفظ می باشد که ما می گوئیم در هیچ صورتی تحفظ واجب نیست .

(مسئله ۱۶) : إذا احتلم فی النهار و أراد الاغتسال فالأحوط تقدیم الاستبراء إذا علم إنه لو ترکہ خرجت البقایا بعد الغسل فتحدث جنابة جديدة .

اگر در روز ماه رمضان محتلم شد و تصمیم گرفت که غسل کند احوط (احتیاط وجوبی) این است که قبل از غسل استبراء کند در صورتی که می داند که اگر استبراء نکند بقایای منی بعد از غسل از او خارج خواهد شد که در نتیجه جنابت جدیدی حادث خواهد شد .

(مسئله ۱۷) : لو قصد الانزال بإتیان شیء مما ذکر و لکن لم ینزل بطل صومه من باب ایجاد نیة المفطر .

اگر کسی به هر وسیله ای قصد انزال کرد ولی انزال نکرد صومش باطل است به خاطر اینکه قصد انجام مفطری را داشته است فلذا طبق مبنای صاحب عروءه که هم نیت قطع و هم نیت قاطع را مبطل صوم می داند روزه اش باطل است ولی ما عرض کردیم که هیچکدام از این دو صوم را باطل نمی کنند .

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین